

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

قانونه یار
آیینہ دادرسی مدنی

مؤلف: صابر خلیل نژاد کیاسری

انتشارات چتر دانش - ۱۳۹۷



- سرشناسه
- عنوان قراردادی
- عنوان و نام پدیدآور

- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- یادداشت
- یادداشت
- یادداشت

● عنوان روی جلد

- موضوع
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیوبی
- شماره کتابشناسی ملی



● نام کتاب

- ناشر
- مؤلف
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

خلیل نژاد کیاسری، صابر، ۱۳۶۸-
ایران. قوانین و احکام
قانون یار آیین دادرسی مدنی/مؤلف صابر خلیل نژاد کیاسری؛
به سفارش موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
۶۵۸ص.
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱

چاپ دوازدهم.
چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۳(۵۹۶ص.).
عنوان روی جلد: قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه
مواد قانونی و نکات مهم مربوطه، تست‌های برگزیده
از آزمون‌های حقوقی تا سال ۹۲، ...
قانون یار آیین دادرسی مدنی: ارائه مواد قانونی و نکات
مهم مربوطه، تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی
تا سال ۹۲، ...

آیین دادرسی مدنی -- ایران -- راهنمای آموزشی (عالی)
آیین دادرسی مدنی -- ایران -- آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)
دانشگاه‌ها و مدارس عالی -- ایران -- آزمون‌ها
موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
۱۳۹۴ ق ۸/خ/۱۷۱۰ KMH
۳۴۷/۵۵
۳۸۶۴۰۸۷

قانون یار آیین دادرسی مدنی- به سفارش موسسه آموزش
عالی آزاد چتر دانش
چتر دانش
صابر خلیل نژاد کیاسری
بیست و پنجم- ۱۳۹۷
۲۰۰۰
۹۷۸-۶۰۰-۷۳۱۶-۴۸-۱
۴۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصفی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹.....	۸
کلیات.....	۸
باب اول: در صلاحیت دادگاه‌ها.....	۲۰
فصل اول: در صلاحیت ذاتی و نسبی دادگاه‌ها.....	۲۰
فصل دوم: اختلاف در صلاحیت و ترتیب حل آن.....	۴۸
باب دوم: وکالت در دعاوی.....	۵۹
باب سوم: دادرسی نخستین.....	۷۹
فصل اول: دادخواست.....	۷۹
مبحث اول: تقدیم دادخواست.....	۷۹
مبحث دوم: شرایط دادخواست.....	۸۱
مبحث سوم: موارد توقیف دادخواست.....	۸۴
مبحث چهارم: پیوست‌های دادخواست.....	۹۴
فصل دوم: بهای خواسته.....	۹۶
فصل سوم: جریان دادخواست تا جلسه رسیدگی.....	۱۰۶
مبحث اول: جریان دادخواست.....	۱۰۶
مبحث دوم: ابلاغ.....	۱۱۰
مبحث سوم: ایرادات و موانع رسیدگی.....	۱۳۰
فصل چهارم: جلسه دادرسی.....	۱۵۶
فصل پنجم: توقیف دادرسی و استرداد دعوا و دادخواست.....	۱۷۵
فصل ششم: امور اتفاقی.....	۱۸۹
مبحث اول: تأمین خواسته.....	۱۸۹
۱- درخواست تأمین.....	۱۸۹
۲- اقسام تأمین.....	۲۱۱
مبحث دوم: ورود شخص ثالث.....	۲۲۰
مبحث سوم: جلب شخص ثالث.....	۲۲۷
مبحث چهارم: دعوی متقابل.....	۲۳۳
مبحث پنجم: اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی.....	۲۴۱
فصل هفتم: تأمین دلیل و اظهارنامه.....	۲۴۶
مبحث اول: تأمین دلیل.....	۲۴۶
مبحث دوم: اظهارنامه.....	۲۴۹

۲۵۱	فصل هشتم: دعاوی تصرف عدوانی، ممانعت از حق و مزاحمت
۲۷۲	فصل نهم: سازش و درخواست آن
۲۷۲	مبحث اول: سازش
۲۷۹	مبحث دوم: درخواست سازش
۲۸۲	فصل دهم: رسیدگی به دلایل
۲۸۲	مبحث اول: کلیات
۲۸۷	مبحث دوم: اقرار
۲۹۳	مبحث سوم: اسناد
۲۹۳	الف- مواد عمومی
۳۰۱	ب- انکار و تردید
۳۰۵	ج- ادعای جعلیت
۳۱۱	د- رسیدگی به صحت و اصالت سند
۳۲۰	مبحث چهارم: گواهی
۳۳۱	مبحث پنجم: معاینه محل و تحقیق محلی
۳۳۷	مبحث ششم: رجوع به کارشناس
۳۵۰	مبحث هفتم: سوگند
۳۶۲	مبحث هشتم: نیابت قضایی
۳۶۵	فصل یازدهم: رأی
۳۶۵	مبحث اول: صدور و انشای رأی
۳۷۲	مبحث دوم: ابلاغ رأی
۳۷۴	مبحث سوم: حکم حضوری و غیابی
۳۷۷	مبحث چهارم: واخواهی
۳۸۷	مبحث پنجم: تصحیح رأی
۳۸۹	مبحث ششم: دادرسی فوری
۴۱۱	باب چهارم: تجدیدنظر
۴۱۱	فصل اول: احکام و قرارهای قابل نقض و تجدیدنظر
۴۱۱	فصل دوم: آرای قابل تجدیدنظر
۴۲۱	فصل سوم: مهلت تجدیدنظر
۴۲۴	فصل چهارم: دادخواست و مقدمات رسیدگی
۴۳۳	فصل پنجم: جهات تجدیدنظر

۴۵۱	باب پنجم: فرجام خواهی
۴۵۱	فصل اول: فرجام خواهی در امور مدنی
۴۵۱	مبحث اول: فرجام خواهی و آرای قابل فرجام
۴۵۷	مبحث دوم: موارد نقض
۴۶۲	مبحث سوم: ترتیب فرجام خواهی
۴۶۹	مبحث چهارم: ترتیب رسیدگی
۴۷۲	مبحث پنجم: مهلت فرجام خواهی
۴۷۴	مبحث ششم: اقدامات پس از نقض
۴۸۴	مبحث هفتم: فرجام تبعی
۴۸۵	فصل دوم: اعتراض شخص ثالث
۵۰۲	فصل سوم: اعاده دادرسی
۵۰۲	مبحث اول: جهات اعاده دادرسی
۵۰۸	مبحث دوم: مهلت درخواست اعاده دادرسی
۵۱۲	مبحث سوم: ترتیب درخواست اعاده دادرسی و رسیدگی
۵۲۳	باب ششم: مواعد
۵۲۳	فصل اول: تعیین و حساب مواعد
۵۲۶	فصل دوم: دادن مهلت و تجدید موعد
۵۲۸	باب هفتم: داوری
۵۶۲	باب هشتم: هزینه دادرسی و اعسار
۵۶۲	فصل اول: هزینه دادرسی
۵۶۵	فصل دوم: اعسار از هزینه دادرسی
۵۷۱	باب نهم: مطالبه خسارت و اجبار به انجام تعهد
۵۷۱	فصل اول: کلیات
۵۷۳	فصل دوم: خسارات
۵۷۴	فصل سوم: مستثنیات دین
۵۷۶	سایر مقررات
۵۷۸	فصل اول: قواعد عمومی
۵۷۸	مبحث اول: مقدمات اجرا
۵۷۸	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶
۵۸۲	مبحث دوم: دادورزها (مأمورین اجرا)

۵۸۳	مبحث سوم: ترتیب اجرا
۵۸۹	فصل دوم: توقیف اموال
۵۸۹	مبحث اول: مقررات عمومی
۵۹۲	مبحث دوم: در توقیف اموال منقول
۵۹۶	مبحث سوم: صورت‌برداری از اموال منقول
۵۹۷	مبحث چهارم: ارزیابی اموال منقول
۵۹۸	مبحث پنجم: حفظ اموال منقول توقیف شده
۵۹۹	مبحث ششم: توقیف اموال منقول محکوم‌علیه که نزد شخص ثالث است
۶۰۱	مبحث هفتم: توقیف حقوق مستخدمین
۶۰۱	مبحث هشتم: توقیف اموال غیرمنقول
۶۰۳	مبحث نهم: صورت‌برداری اموال غیرمنقول
۶۰۴	مبحث دهم: ارزیابی و حفظ اموال غیرمنقول
۶۰۴	فصل سوم: فروش اموال توقیف شده
۶۰۴	مبحث اول: فروش اموال منقول
۶۰۷	مبحث دوم: فروش اموال غیرمنقول
۶۰۸	فصل پنجم: اعتراض شخص ثالث
۶۱۰	فصل ششم: حق تقدم
۶۱۱	فصل هفتم: تأدیه طلب
۶۱۱	فصل هشتم: هزینه‌های اجرایی
۶۱۳	فصل نهم: احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی
۶۱۵	قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴
۶۲۷	آیین نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۵
۶۳۴	بخشنامه یکنواخت‌سازی اخذ هزینه دادرسی مصوب ۱۳۹۶
۶۳۶	سؤالات آزمون وکالت ۹۵
۶۴۰	پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۹۵
۶۴۳	سؤالات آزمون قضاوت ۹۵
۶۴۷	پاسخنامه سؤالات آزمون قضاوت ۹۵
۶۵۰	سؤالات آزمون وکالت ۹۶
۶۵۶	پاسخنامه سؤالات آزمون وکالت ۹۶
۶۵۸	درستنامه

۲- مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، «آیین دادرسی مدنی مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به توسط مراجع قضایی به کار گرفته می‌شود.» (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۵)

الف) امور حسبی (ب) دعاوی مدنی (ج) دعاوی بازرگانی (د) همه موارد فوق
 ۳- در مقررات فعلی ایران، ایراد مرور زمان به استناد قانون آیین دادرسی مدنی شنیده
 و به استناد قانون تجارت شنیده (ارشد سراسری - ۱۳۸۹)

الف) نمی‌شود - نمی‌شود. (ب) می‌شود - نمی‌شود.
 ج) نمی‌شود - می‌شود. (د) می‌شود - می‌شود.
 ۴- مرجع رسیدگی به دعاوی تجاری، دادگاه‌های است و آیین رسیدگی به آن‌ها، علی‌القاعده، برابر قانون انجام می‌شود. (ارشد سراسری - ۱۳۹۳)

الف) تجاری - آیین دادرسی تجاری (ب) عمومی - آیین دادرسی تجاری
 ج) تجاری - آیین دادرسی مدنی (د) عمومی - آیین دادرسی مدنی

پاسخنامه سؤال ۱: د سؤال ۲: د سؤال ۳: ج سؤال ۴: د

شرط رسیدگی به دعوا

ماده ۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.

نکته ۱- رسیدگی در دادگاه‌ها منوط به درخواست ذی‌نفع یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی یا وکیل است و رسیدگی برابر قانون خواهد بود.

نکته ۲- ذی‌نفع بودن مدعی بدین معنا است، که در صورت حاکم شدن در دعوا برای او سودی اعم از مادی یا معنوی وجود داشته باشد.

نکته ۳- وجود نفع برای دیگران، توجیه‌کننده اقامه دعواست.

نکته ۴- در صورتی که خواهان در دعوای مطروحه ذی‌نفع نباشد، دادگاه قرار رد دعوا را صادر می‌کند.

نکته ۵- ذی‌نفع بودن با ذی‌حق بودن تفاوت دارد. شخص ذی‌حق، ذی‌نفع شمرده می‌شود اما هر ذی‌نفعی، ذی‌حق شمرده نمی‌شود ← در صورت ذی‌حق نبودن خواهان، معمولاً حکم به بی‌حقی صادر می‌شود.

نکته ۶- نفع دارای ویژگی‌هایی است که در صورت احراز آن دادگاه می‌تواند، با وجود سایر شرایط، وارد ماهیت دعوا شود: نفع ۱- باید حقوقی و مشروع باشد (مورد حمایت قانونگذار باشد)

۲- نفع باید به وجود آمده و باقی باشد (بنابراین نفعی که برای خواهان منوط به وجود شرط یا معلق

به وقوع امری باشد، خواهان را ذی نفع نمی کند.)

← در این مورد یک استثنا وجود دارد ← این استثنا ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد که صدور قرار تأمین خواسته نسبت به طلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده، تحت شرایطی پذیرفته می شود.

۳- نفع باید شخصی و مستقیم باشد (که در صورت احراز، حق اصلی مورد ادعا نصیب او شود)
نکته ۷- هرگاه شخصی به عنوان نماینده در دادگاه اقدام می نماید از یک سو دادگاه باید به دلیل نمایندگی وی توجه کند و از سوی دیگر نمایندگی را اگر محرز تشخیص داد، از انواعی باشد که قانون برای اقامه دعوا تجویز نموده است.

نکته ۸- کسی که به عنوان نماینده اقدام می کند، (از قبیل وکالت، ولایت یا قیمومت) در صورتی که سمت وی محرز نباشد ← دادگاه قرار رد دعوی را صادر می کند.

نکته ۹- هرگاه شخص حقیقی به نمایندگی از جانب شخص حقوقی طرح دعوی نماید و سمت او محرز نباشد و دفتر بدون توجه به نقص دادخواست، وقت دادرسی تعیین نماید و دادگاه در جلسه دادرسی با این ایراد روبه رو شود ← دادگاه قرار رد دعوا را به علت عدم احراز سمت صادر خواهد کرد.

نکته ۱۰- برای اقامه دعوا ۳ شرط لازم است ۱- ذی نفع بودن مدعی ۲- محرز بودن سمت از حیث اصالت یا نمایندگی ۳- داشتن اهلیت (البته شرایط دیگر مانند اقامه دعوا در موعد قانونی و عدم اعتبار امر قضاوت شده در آن دعوا نیز وجود دارند).

نکته ۱۱- منجز بودن حق از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه، از شرایط پیروزی در دعوا می باشد (البته برخی این شرط را از شرایط اقامه دعوا می دانند)

نکته ۱۲- برخی معتقدند که تقدیم دادخواست از جمله شرایط اقامه دعواست (دکتر سید جلال الدین مدنی) اما دکتر شمس معتقد است. تقدیم دادخواست از شرایط اقامه دعوا نیست بلکه از شرایط لازم برای شروع رسیدگی دادگاه و بررسی وجود یا عدم وجود شرایط اقامه دعوا است.

نکته ۱۳- در مواردی که رسیدگی به ادعا را خود خواهان، درخواست نموده باشد و شخص حقیقی باشد (شخص حقیقی اصیل) مفهوم سمت در ذی نفع بودن مستغرق می باشد به نحوی که با احراز ذی نفعی نیازی به احراز سمت نیست.

نکته ۱۴- تکلیف دادگاه در رسیدگی به وجود یا عدم وجود سمت، زمانی به وجود می آید که درخواست را شخص حقیقی اصیل مطرح نکرده باشد.

۱- دادگاه در صورتی به دعوای حقوقی رسیدگی می نماید که: (ارشد آزاد- ۱۳۷۵)

الف) ذی حق دادخواست تنظیم نموده باشد. ب) به وجود حق علم داشته باشد.

ج) حق مستند به سند رسمی باشد. د) حق مستند به دلایل مصرح در قانون باشد.

۲- هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند:

(قضاوت- ۱۳۷۹ و ۱۳۷۸، مشاوران حقوقی- ۱۳۸۰)

الف) مگر اینکه خواهان یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی وی رسیدگی به دعوا را با رعایت قانون خواسته باشد.

ب) مگر اینکه، خواهان یا فردی ذی‌سمت از سوی او با رعایت موازین مقررات جاری اقامه دعوا نموده باشد.

ج) مگر اینکه، شخص یا اشخاصی ذی‌نفع یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست کرده باشند.

د) مگر اینکه، شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی یا ذی‌سمت قانونی، از سوی آنان با رعایت کلیه موازین و مقررات جاری دادخواست کامل داده باشند.

۳- نمایندگی پدر از فرزند صغیر، نمایندگی و نمایندگی امین عاجز از او، نمایندگی

(ارشد سراسری- ۱۳۸۳)

..... است.

الف) قضایی- قانونی (ب) قضایی- انتخابی (ج) قانونی- قضایی (د) قانونی- انتخابی

پاسخنامه سؤال ۱: الف سؤال ۲: ج سؤال ۳: ج

تکلیف قضاات به فصل خصومت

ماده ۳- قضاات دادگاه‌ها موظف‌اند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند و الا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.

تبصره- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را خلاف شرع بداند، پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.

نکته ۱- قضاات دادگاه‌ها موظف‌اند، طبق قانون و با رعایت تشریفات قانونی به دعاوی رسیدگی کنند، تخلف از این مورد، موجب فسخ یا نقض رأی در مراجع عالی خواهد بود.

نکته ۲- اگر دادگاه دعوای مطروحه را قطع و فصل نکند، حکم صادره برخلاف ماده ۳ ق.آ.د.م بود، و نقض خواهد شد.

نکته ۳- برای اینکه قاضی بتواند به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر یا اصول حقوقی مراجعه کند، یکی از شرایط زیر لازم است: ۱- قانون کامل نباشد. ۲- قانون موضوعه صریح نباشد. ۳- در خصوص

۵- اگر در ارتباط با دعوا مطروحه حکم قانونی موجود نباشد، قاضی رسیدگی کننده چه تکلیفی دارد؟ (وکالت - ۱۳۸۴)

- الف) از نظر قانونی تکلیفی ندارد و می‌تواند دعوا را رد کند.
 ب) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و یا عرف، حکم قضیه را صادر نماید.
 ج) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی، حکم قضیه را صادر نماید.
 د) بایستی با استناد به منابع معتبر اسلامی و فتاوی معتبر یا عرف مسلم، حکم قضیه را صادر نماید.
- ۶- چنانچه قاضی مجتهد باشد و قانون را مخالف شرع بداند: (وکالت - ۱۳۸۷)

- الف) پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌نماید تا حل اختلاف شود.
 ب) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر کند و رأی قابل تجدیدنظر است.
 ج) باید براساس اجتهاد خود رأی صادر نماید و رأی قطعی است.
 د) پرونده به شعبه دیگری جهت رسیدگی ارجاع خواهد شد.
- ۷- چنانچه در قضیه مطروحه اصلاً قانونی وجود نداشته باشد، وظیفه قاضی چیست؟ (وکالت - ۱۳۸۷)

- الف) باید حکم به رد دعوی صادر نماید.
 ب) باید با مصالحه فصل خصومت کند.
 ج) باید به داوری ارجاع دهد.
 د) باید به استناد منابع معتبر اسلامی و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم مقتضی صادر کند.

سؤال ۱: الف	سؤال ۲: الف	سؤال ۳: ب	سؤال ۴: ب
سؤال ۵: ج	سؤال ۶: د	سؤال ۷: د	

پاسخنامه

تعیین تکلیف دعاوی به طور خاص

ماده ۴- دادگاه‌ها مکلف‌اند در مورد هر دعوا به‌طور خاص تعیین تکلیف نمایند و نباید به‌صورت عام و کلی حکم صادر کنند.

- نکته ۱- در صورتی که حکم دعوا به صورت عام صادر شده باشد، در مراجع بالاتر قضایی فسخ خواهد شد.
 نکته ۲- منظور از تعیین تکلیف به طور خاص عبارت است از، مستند ساختن تصمیم دادگاه به قانون و شرع.

۱- دادگاه‌ها مکلف‌اند: (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۱، قضاوت - ۱۳۷۹)

- الف) در مورد هر دعوا به دلایل طرفین رسیدگی نموده و به صورت کلی مبادرت به صدور حکم نمایند.
 ب) به دعوا مطروحه با توجه به مندرجات دادخواست رسیدگی نموده و به صورت عام حکم صادر نمایند.

ج) به دعوای مطروحه با توجه به نتیجه رسیدگی به دلایل متداعیین رأی پرونده را صادر نمایند.
د) در مورد هر دعوا به طور خاص تعیین تکلیف نمایند.

۲- دادگاه‌ها در امور مدنی موظفند: (مشاوران حقوقی - ۱۳۸۵)

الف) در دعوای مطروحه با احراز واقع رأی مقتضی صادر و تعیین تکلیف قانونی نمایند.
ب) با توجه به خواسته دعوا رسیدگی و با صدور رأی تعیین تکلیف نمایند.
ج) در مورد هر دعوا به طور خاص، تعیین تکلیف قانونی نمایند.
د) در خصوص دعوای مطروحه با احراز واقع و اعلام ختم رسیدگی، رأی قانونی صادر نمایند.

پاسخنامه سؤال ۱: د سؤال ۲: ج

اصل قطعیت آراء

ماده ۵- آرای دادگاه‌ها قطعی است مگر در موارد مقرر در باب چهارم این قانون یا در مواردی که به موجب سایر قوانین قابل نقض یا تجدیدنظر باشند.

نکته ۱- اصل بر این است که آرای صادره از دادگاه بدوی قطعی می‌باشد مگر، در موارد منصوص در قانون که قابلیت نقض و تجدیدنظر آرا پیش بینی شده است.

نکته ۲- حکمی که قطعی نشده باشد، قابلیت اجرا ندارد مگر در ۲ مورد که استثنا شده است:

الف- حکم ورشکستگی

ب- دعوای تصرف

نکته ۳- حکمی که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی وی ابلاغ نشده و حکمی که موضوع آن معین نباشد، قابل اجرا نیست.

نکته ۴- آرای دادگاه‌ها اعم از حکم یا قرار است، خواه در امور مربوط به دعوای (حقوقی یا کیفری) صادر شده باشد و خواه در امور حسبی.

نکته ۵- به موجب این ماده ← رسیدگی به هر دعوایی یک مرحله‌ای بوده و رسیدگی دو مرحله‌ای خلاف اصل محسوب می‌شود و نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

۱- کدام مورد، در خصوص قطعیت آرای دادگاه‌ها صحیح است؟ (قضاوت - ۱۳۹۳)

الف) اصل بر قطعیت قرارها است برخلاف احکام

ب) اصل بر قطعیت احکام است برخلاف قرارها

ج) اصل بر عدم قطعیت است

د) اصل بر قطعیت است

پاسخنامه سؤال ۱: د

عقود و قراردادهای بی‌اثر

ماده ۶- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست.

نکته ۱- دادگاه در موارد زیر نباید به عقد یا قرارداد ترتیب اثر دهد:

۱- در صورتی که مخالف اخلاق حسنه باشد.

۲- در صورتی که مخالف نظم عمومی باشد.

۳- در صورتی که مخالف صریح قانون باشد.

نکته ۲- رأیی که براساس قراردادی که برخلاف اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا مخالف قانون بوده صادر شود، قابلیت فسخ و نقض در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور را دارد. (از جهات فسخ و نقض می‌باشد)

۱- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی است در قابل ترتیب اثر نیست.

(قضاوت-۱۳۸۰)

الف) دفتر کل ب) دادگاه ج) مرجع داوری د) مورد طرفین

پاسخنامه سؤال ۱: ب

رسیدگی در مرحله بالاتر

ماده ۷- به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود، تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون.

نکته ۱- اصل بر این است که به هیچ دعوایی نمی‌توان در مراحل بالاتر بدون اینکه در مرحله بدوی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، رسیدگی نمود. (رسیدگی در مراحل بالاتر منوط به رسیدگی در دادگاه بدوی می‌باشد)

نکته ۲- استثنا بر اصل ← طرح دعوای طاری می‌باشد (جلب ثالث و ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر)

نکته ۳- رسیدگی به دعوای متقابل در مرحله تجدیدنظر در صورتی که در مرحله بدوی به آن رسیدگی نشده باشد، صورت قانونی ندارد (رای شماره ۳۱۵- ۱۳۲۳/۵/۳۱، شعبه اول دیوان عالی کشور)

نکته ۴- مرحله بالاتر که رسیدگی ماهوی می‌کند، به مرحله تجدیدنظر منحصر می‌شود و در مرحله فرجام فقط رسیدگی شکلی صورت می‌گیرد.

۱- برابر ماده ۷ قانون آیین دادرسی مدنی به ماهیت هیچ دعوایی نمی‌توان در مرحله رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله در آن دعوا صادر نشده باشد مگر (مشاوران حقوقی- ۱۳۸۶)

- الف) نخستین - بالاتر - قراری - به تشخیص دادگاه. ب) بالاتر - نخستین - حکمی - به موجب قانون.
ج) نخستین - بالاتر - حکمی - به تشخیص دادگاه. د) بالاتر - نخستین - قراری - به موجب قانون.

پاسخنامه سؤال ۱: ب

منوعیت تغییر در حکم یا جلوگیری از اجرای آن

ماده ۸- هیچ مقام رسمی یا سازمان یا اداره دولتی نمی‌تواند حکم دادگاه را تغییر دهد و یا از اجرای آن جلوگیری کند مگر، دادگاهی که حکم صادر نموده و یا مرجع بالاتر، آن هم در مواردی که قانون معین نموده باشد.

نکته ۱- منظور از مقام رسمی، اعم از مقام‌های دادگستری و سایر مقام‌های مملکتی بوده. به بیان دیگر کسی که با احراز شرایط قانونی و با صدور حکم تصدی مقامی را عهده‌دار شده و وظایف و تکالیفی برعهده وی گذاشته می‌شود، مقام رسمی است.

نکته ۲- این ماده بیانگر قاعده فراغ دادرسی می‌باشد (هنگامی که دادرس رأی را صادر می‌کند، دیگر حق ندارد نسبت به آن دخل و تصرفی نماید یا تغییراتی بدهد و حتی نمی‌تواند با رضایت اصحاب دعوا رأی خود را تغییر دهد).

نکته ۳- استثنائات بر قاعده فراغ دادرسی: دادگاه پس از صدور حکم یا قرار قاطع تحت شرایطی می‌تواند آن را تصحیح نماید یا در صورت وجود اجمال یا ابهام آن را تفسیر نماید و یا در پس اعتراض محکوم‌علیه غایب یا اعتراض شخص ثالث و یا اعاده دادرسی مجدداً به دعوایی که منتهی به صدور رأی شده، تحت شرایطی اشتغال یابد.

تداوم رسیدگی به دعاوی

ماده ۹- رسیدگی به دعوایی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می‌یابد. آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مجری در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شود نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است به ترتیب مقرر در این قانون عمل می‌شود.

نکته ۱- آرای صادره از حیث قابلیت اعتراض و تجدیدنظر و فرجام، تابع قوانین مُجرا در زمان صدور آنان می‌باشد مگر این‌که آن قوانین، خلاف شرع شناخته شوند.

نکته ۲- نسبت به کلیه قرارهای عدم صلاحیتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون از دادگاه‌ها صادر شده و در زمان اجرای این قانون در جریان رسیدگی تجدیدنظر یا فرجامی است، به ترتیب مقرر در این